



هنوز هم صدای قدم‌هامون تو گوشم فریاد می‌زنه. خش خش خرد شدن برگ‌های خشکیده و تهپایی که بر روی زمین تک و تنها افتاده‌اند. راه رفتن بر روی تکه چوب‌های قطعی درختان و حس گرم قفل شدن دستانت بر دستان کسی که همیشه و در همه حال همراهم بوده. رفتن و رفتن تا رسیدن به قرارگاهی که همه حرف‌ها و آرزوها مثل به گنج توی اونجا دفن شده. حس آخرین قرار که منو روی نیمکت نشوندی و دستتو آوردی جلو و بهم اون شاخه گل رو دادی. از اون روز به بعد با اون عصاره وجود، من خیلی خوشبخت بودم تا اینکه اون اتفاق نحس افتاد. بعد از اون دیگه از هر چی منظره‌ی پاییزی و نارنجی هست متفرم. از هر چی نیمکت و درخت هست بدم میاد. چون الان تنها به دیدن یک چیز علاقه دارم. دیدن تکه سنگی که روش رو نوشته‌هایی بر کرده و بالای اون نوشته‌ها اسم قشنگت خیلی به چشم میاد که با عشق دورشو گل پرپر ریختم و هر روز بهت این قول رو میدم که بالاخره به روز میام پیشت.

۵ رباعی از مجتبی صادقی

تا موی تو در باد پراکنده شود

تا سهم لبان بسنهام خنده شود

فروردین عزیز! باید باشی

تا خانم‌ام از بهار آکنده شود

آوردم و مو به مو سباهش کردم

با خندهی ناب رو به راهش کردم

دیدم که به او نمی‌رسم، پس ناچار

با چشم برادری نگاهش کردم

چون سایه‌ی عشق از سرم کم شده است

دنبای قشنگ من پر از غم شده است

از لیست بلند فیس‌بوکم پیداست

تهپایی من عمیق‌تر شده است

توفیق نداشتم فدایت بشوم

حتی شنونده‌ی صدایت بشوم

تا لحظه‌ی مرگ منتظر خواهم ماند

بادا که شهید چشم‌هایت بشوم

کم داشتمت، حال زیاد آوردم

حتی به درخت اعتقاد آوردم

پاییز تمام برگ‌هایم را ریخت

من با تو بهار را به یاد آوردم

شاید شما هم شنیده یا خوانده باشید که معلمی از یکی

از شاگردهایش پرسید: «پسر جون، وقتی ارشمیدس در حمام فریاد زد «یافتم! یافتم!» چی را پیدا کرده بود؟»

و شاگرد فوراً جواب داد: «آقا اجازه! حتما سنگ پایش را.»

باید خدمت‌تان عرض کنم این مطلب، کذب محض است. لابد می‌پرسید: «اگر سنگ پا پیدا نکرد، پس چی پیدا کرد؟» اجازه بدهید اول ببینیم ارشمیدس کی بود، بعد برسیم به اینکه چی پیدا کرد.

۲۸۷ سال قبل از میلاد در سیراکیوس، از شهرهای سیسیل، پسری به دنیا آمد که بعدها ریاضیدانی بزرگ و بنیانگذار علم مکانیک شد. اگر حالا بود پیش می‌گفتند آقا مهندس ولی اون وقت‌ها همه دانشمندا را فیلسوف یا عالم خطاب می‌کردند. ابوی ارشمیدس، فییداس، مایه‌دار بود و برای همین، وقت کافی داشت که ستاره‌ها را سوک بزند، یعنی به علم نجوم بپردازد. موقعیت اجتماعی‌اش هم توپ بود و می‌گفتند با هیثرو، حاکم سیراکیوس، خیلی ایاق است و حتی دیده بودند با هم فالوده می‌خوردند. خلاصه اینکه از کله گنده‌های ولایت‌شان به حساب می‌آمد.

ارشمیدس از همان پیچی شفته ریاضیات بود. به عقیده او، همه دانش‌ها، در مقایسه با ریاضیات، حرف مفت بودند و باید می‌زدند گاراز. البته این عالم نابغه بین نوابع اصلا استثنایی نبود و مثل اکثر ارفوسوره‌های کم‌حافظه زمانه خودمان، وقتی مسئله‌ای ذهنش را به کار می‌گرفت از یار و دیار و حتی شلوار غافل می‌شد (همین نکته آخر برایش شهرت جادوان آورد). سرانجام هم… (نه! این را بگذاریم برای پایان مطلب چون اگر الان تعریف کنم، هیچانش قدر می‌رود. وانگهی، تا آخر روایت دو وجب هم نمانده).

ارشمیدس در جوانی برای تحصیل به اسکندریه رفت. اولین اختراعش، یعنی «پیچ ارشمیدس» را همان جا به ثبت رساند. تا آخر عمر، در اوقات بیکاری و به صورت تفتنی، دستگاه‌ها و ابزار مختلفی اختراع کرد که برای معاصرانش بسیار مفید بود و خیلی از خلائق دعاگویش شدند. اما این اختراعات چندان به چشم ارشمیدس نمی‌آمد چون او جنبه‌های کاربردی علم را کم اهمیت می‌دانست و فقط از تفکر درباره امور نظری ناب لذت می‌برد. مثلا یک بار به حاکم سیراکیوس گفت: «اگه یک اهرم و یک نقطه اتکای مناسب به من بدهی، کره زمین را وااست بلند می‌کنم!» هیثرو که نمی‌توانست برای رد این ادعا، اهرم و نقطه‌ی اتکای موردنظر ارشمیدس را در اختیارش بگذارد، در ضمن نه از جا‌به‌جا کردن ارض فایده‌ای می‌برد و نه حوصله و عرضه بحث با بزرگ‌ترین مغز متفکر شهر را داشت، ناچار کوتاه آمد و جواب داد: «اره راست می‌گی! تو می‌تونی.» البته در بعضی منابع آمده که هیثرو با تحسین و تمجیب و خیلی عظیم‌گفت: «بابا، تو دیگه کی هستی؟!» حالا بشنویید شرح مشهورترین ماجرای زندگی ارشمیدس را! حاکم سیراکیوس به زرگر شهر، تاجی از طلای ناب سفارش داد. اما وقتی جنس را تحویل گرفت، مشکوک شد که میادا مرد صنعتگر کلک زده باشد و طلایی را که

جوان

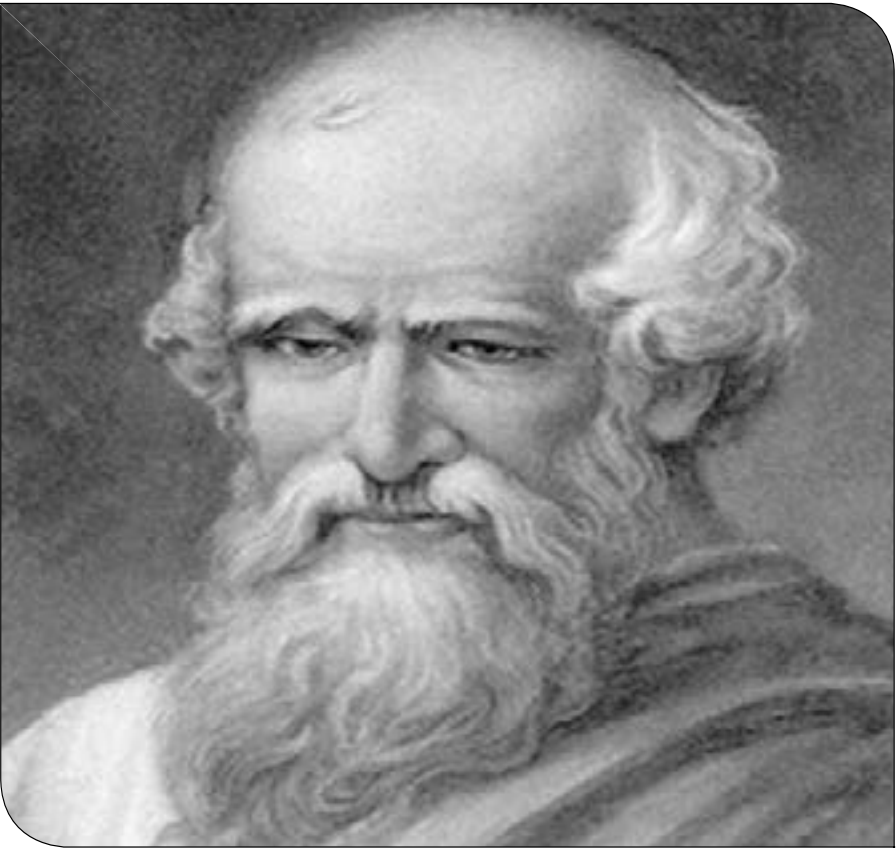
دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴ ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ Jan 2۵, 2016

سال بیست و یکم شماره ۵۶۷۷

«طنز»

یافتم! یافتم

نوشته: کاوه میرعباسی



جوابی ندان‌اشکن ندهد و بنابر روایتی منظوم، در پاسخ آن مرد بی‌آزرم، گفت: «شلواری بیار اینجا مرا شلوار نیست.» سخن ارشمیدس هم از نظر واقعی درست بود و هم از جنبه مجازی، زیرا در آن ایام در سیراکیوس شلوار تولید نمی‌شد و واردات شلوار هم نداشتند، چون در یونان و روم باستان، مردها «توکا» (ردای شال‌مانند) می‌پوشیدند و شلوار را فقط برازنده بربرها می‌دانستند (برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود به نمایشنامه «رومولوس کبیر» اثر فریدریش دورنمات). به این ترتیب، با حل مشکل هیثرو، «اصل ارشمیدس» هم کشف شد. راجع به این قاعده مشهور توضیحی نمی‌دهم، چون شاگرد زرتگ‌ها بپرستند. بعد از «قضیه گرمابه»، ارشمیدس بین مردم به «عالم عریان» شهرت یافت و این لقب خیلی زود سر زبان‌ها افتاد و در سراسر سیسیل و حتی دورتر‌ها هم پیچید اما هیچ وقت به گوش خود ارشمیدس نرسید.

در دوران سالخوردگی ارشمیدس، اوضاع ناحیه مدیریتانه حسابی قارامشیش شد و کارتازی‌ها و رومی‌ها و یونانی‌ها به جان هم افتادند. گرچه هیثرو توانسته بود سال‌ها قلمرو حکومتش را در صلح و آرامش نگه دارد اما سیراکیوس تا آخر از آتش جنگ در امان نماند و بالاخره مارسلوس، سردار رومی، به آنجا قشون کشید و شهر را محاصره کرد.

مطابق معمول، باز حاکم و اهالی سیراکیوس دست کمک به سوی ارشمیدس دراز کردند و او هم الحق سنگ تمام گذاشت و هر چه در چنته داشت بیرون ریخت. با اختراع دستگاه‌های جور واجور دمار از روزگار دشمنان درآورد، و در عین حال حمله‌های‌شان را خنثی کرد. به قول پلوتارک، «ارشمیدس یگانه سلاح تهاجمی و تدافعی شهر بود.» حتی نقل کرده‌اند که با استفاده از آینه‌ها و ذره‌بین‌های عظیم کشتی‌های رومی‌ها را به آتش کشید. خلاصه آنکه، نزدیک به سه سال مارسلوس و سپاهیانش را بیرون شهر، معطل و مجل و مگسی نگه داشت. عاقبت آنان که از تدبیر نتیجه‌ای نگرفته بودند، به تزییر متوسل شدند و با همدستی یکی از اهالی خائن شهر به درون راه یافتند. سقوط سیراکیوس در سال ۲۱۲ پیش از میلاد رخ داد.

پس از آنکه شهر به تصرف رومی‌ها درآمد، حاکم و بزرگان سیراکیوس تسلیم شدند و برای تعظیم و تکریم به پیشگاه مارسلوس رفتند. سردار رومی، که روحیه ورزشکاری داشت، در دل ارشمیدس را ستایش می‌کرد و خیلی مشتاق دیدارش بود. وقتی عالم نامور را بین کسانی که برای ابراز خاکساری آمده بودند ندید، بدجور دغ شد. سربازی را احضار کرد و دستور داد: «فوراً برو و ارشمیدس را بیاور اینجا!» اشتباهش این بود که مشخص نکرد زنده یا مرده. لابد از آی‌کیو سربازانش اطلاع نداشت.

از آن طرف، ارشمیدس بی‌خبر از همه جا در ایوان منزلش نشسته بود و مشغول حل یک مسئله هیجان‌انگیز ریاضی بود و حتی نمی‌دانست رومی‌ها زادگاهش را تسخیر کرده‌اند. فرستاده مارسلوس وارد شد و با لحنی تند گفت: «پاشو راه بیفت، ژنرال می‌خواد ببیندت!»

ریاضیدان پیر با خونسردی جواب داد: «فعالاً نمی‌تونم پیام چون کار واجب‌تری دارم.»

سرباز با فریاد به او پراخاش کرد: «اطاعت امر ژنرال از هر چیز واجب‌تره، بچه پرور!»

ارشمیدس، که حواسش به مسئله‌اش بود، جواب سرباز تندخو را هم نداد. سرباز تهدید کرد و هشدار داد ولی نتیجه‌ای نگرفت. خوشن به جوش آمد و از شدت غضب رنگش کبود شد و چون خیال می‌کرد ارشمیدس هم، مثل فیل، زنده و مرده‌اش صد تومن است و فرق فیل و فیلسوف را فقط در جهش‌مان می‌دانست، دیگر معطل نکرد و شمشیریش را بیرون کشید و سر از تن جلیل مبارک‌فلسف جدا ساخت و جنازه‌اش را (البته در دو قسمت) نزد مارسلوس برد.

سردار فاتح همین‌که چشمش به جسد خونین ارشمیدس افتاد، آه از نهادش برآمد و با اندوه و خشم خطاب به سرباز خطاکار نعره زد: «آخه مرتیکه، فیلسوف مرده به چه درد من می‌خوره؟»

سرباز سده‌دلانه و صادفانه جواب داد: «من نمی‌دونم اصلا فیلسوف به چه دردی می‌خوره، قربان.»

مارسلوس دید سنگین‌تر است دیگر حرفی نزنند و سرباز زبان‌نهم‌ر را مرخص کند. نگاهی اندوهبار به پیکر بی‌جان ارشمیدس انداخت و سوزناک نالید: «عجب عاقبتی، عالم عریان!»

نیازمندیهای عصرمردم آگهی می‌پذیرد

۳۳۳۰۹۲۹۰ ۳۳۳۴۱۰۰۱ ۳۳۳۴۱۰۰۰

۳۳۳۰۳۳۷۰ – ۳۳۳۰۳۸۳۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۹۷۵-۳۱۱۰۰۳۶۴۶-۱۳۹۴ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی محمدراد فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۴۷۱ به شماره ملی ۵۴۹۷۱۶۳۳۰ صادره از زرین دشت در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۶۰ مترمربع پلاک ۲۰۷-فرعی از ۲۱۳۹ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۱۳۹ اصلی قطعه ۲ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالکین اولیه انتقالی باواسطه از محمدعلی و محمدرضا بحرانی معزز گردید حقوق ارتفائی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی متقاضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۷۰۸-۳۱۱۰۰۳۱۹۶۶-۱۳۹۴ مورخ ۹۴/۸/۲۳ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی داراب تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی علی آب‌سالان فرزند معصوم به شماره شناسنامه ۱۰۳۹ به شماره ملی ۴۸۸۹۸۸-۲۴۹ صادره از داراب در شش‌دانگ یکباب واحد صنعتی (ذرت خشک کنی) به مساحت ۵۰۳۹ مترمربع پلاک ۳۷۹ فرعی از ۲۳۳۵ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۲۳۵ اصلی قطعه ۲ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالک اولیه انتقالی از اکبر بحرانی معزز گردید حقوق ارتفائی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تمدت یک ماه از تاریخ تسلیم طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۱/۵

۵/۶۵/م الف کفیل اداره ثبت اسناد و املاک داراب احمد انتظار

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۳۹-۳۱۱۰۰۳۵۸۳۹-۱۳۹۴ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی رقیه محمدحسینی فرزند حاجی رضا به شماره شناسنامه ۴۲۶ صادره از شیراز در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰۹۶۴ فرعی از ۱۷۹۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۹۱ مساحت ۸۶/۳ مترمربع پلاک ۲۰۶۵ فرعی از ۱۷۹۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۹۱ فرعی از ۱۷۹۲ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی سید هاشم دستغیب معزز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۱/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۱۱/۲۰

۶/۲۷۵۰/م الف رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین

تبتی و دادگستری

آگهی فقدان سند مالکیت

محمدمهدی فرزادمنش به موجب وکالتنامه شماره ۲۳۸۹۰ مورخ ۹۴/۱۰/۲۸ دخترخانه ۴۷ شیراز از طرف مهرداد عسکریان با تسلیم دو برگ استشهادیه که در دفترخانه ۴۷ شیراز تنظیم شده مدعی است که تعداد یک جلد سند مالکیت به شماره چاپی ۲۶۳۸۸۴ الف ۹۳ مربوط به شش‌دانگ یکباب باغچه به پلاک ۱۷/۴۶ واقع در بخش ۲ شیراز که ذیل ثبت ۵۳۳۶ در صفحه ۵۳۳ دفتر ۸۴ املاک به نام مهرداد عسکریان ثبت و سند مالکیت صادر و به علت جابجایی مفقود گردیده و نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده مراتب طبق اصلاحیه تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت آگهی می‌شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز حسن نصیریان

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۴۶-۳۱۱۰۰۳۲۴۶۶-۱۳۹۴ هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی زهرا لطفعلیان فرزند نعمت‌الله به شماره شناسنامه ۶۳۰۶ صادره از شیراز در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۳۰۰ مترمربع پلاک ۲۰۹-فرعی از ۲۰۸۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸۱ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز در حصه مشاعی خود معزز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۱/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۱۱/۲۰

۵/۲۷۵۱۵/م الف رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین

آگهی فقدان سند مالکیت بخش ۴ شیراز
عباس خواجه با تسلیم دو برگ استشهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۶۳ شیراز تنظیم گردیده است مدعی است که تعداد یک جلد سند مالکیت مربوط به شش‌دانگ پلاک ۳۴۵۷-۲۱۵۲ بخش ۴ شیراز که ذیل ثبت ۴۳۵۰۳ صفحه ۲۹۹ دفتر ۱۳۹۸ املاک به نام عباس خواجه ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۱۹۶۴۰۱ صادر و به علت جابجایی مفقود گردیده است و نامبرده تقاضای صدور سند المثنی نموده است. مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت آگهی می‌شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۱/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۱۱/۲۰

۶/۲۷۵۱۸/م الف رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین